

## A Methodological Evaluation of the Grounded Thematic Interpretation

**Mohsen Qamarzadeh**  \*

Assistant Professor and Head of the Department of Qur'anic and Hadith Jurisprudence, Fadel Research Institute of the Jurisprudence Center of the Athar Imams (AS), Qom, Iran

**Nasim Teimuri** 

Level 4 student, Kotsar Islamic Sciences Education Complex, Tehran, Iran.

### Abstract

Grounded theory is one of the most popular analytical methods used for qualitative data which is used in the Quranic studies and thematic interpretations in recent decades. The process of theory production by this method is through relevant data collection, coding, categorization and conceptualization. The application of this analytical method in the interpretation of various Qur'anic topics has been shown in some works, but this method has not been methodologically evaluated. And if a work claims to evaluate the process, it is only in a limited area and with a specific orientation. This article tries to explain the basics of this method, to introduce the differences between its application in Qur'anic sciences and humanities studies, and finally to answer the problems that have been raised about the capabilities of this method in thematic interpretation. As a result, the paper shows that grounded theory has an algorithm which can be systematically applied, and it can be used in a systematic way to discover the divine purpose.


**Keywords:** Thematic Interpretation, Methodological Evaluation, Grounded Theory, Coding.

\* Corresponding Author: ghamarzadehm@gmail.com

**How to Cite:** Qamarzadeh, M., Teimuri, N. (2022). A Methodological Evaluation of the Grounded Thematic Interpretation, *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, 13(50), 171-199.


## ارزیابی روش شناختی سبک تفسیر موضوعی داده‌بنیاد

استادیار و مدیر گروه فقه قرآن و حدیث، پژوهشگاه فاضل مرکز فقهی ائمه

\*  **محسن قمرزاده**

اطهار(ع)، قم، ایران

دانشجوی سطح ۴. مجتمع آموزش علوم اسلامی کوثر، تهران، ایران.

 **نسیم تیموری**

### چکیده

نظریه داده‌بنیاد یکی از روش‌های تحلیلی مطرح برای داده‌های کیفی است که در دهه‌های اخیر در مطالعات قرآنی و تفسیر موضوعی به کار گرفته می‌شود. فرآیند تولید تئوری در این روش از طریق گردآوری داده‌های مرتبط، کدگذاری، مقوله‌بندی و مفهوم‌پردازی است. در برخی آثار، کاربری این روش تحلیل در تفسیر موضوعات مختلف قرآنی ارائه شده است، اما این شیوه از نظر روش شناختی در تفسیر موضوعی مورد بررسی واقع نشده است، و اگر اثری هم ادعای اعتبارسنجی این فرایند را دارد تنها در ناحیه‌ای محدود و با جهت‌گیری خاص است. این مقاله در تلاش است مبانی این روش را شرح دهد، تفاوت به کارگیری آن در علوم قرآنی با مطالعات علوم انسانی معرفی کند و در نهایت اشکالاتی که درباره ظرفیت‌های این روش در تفسیر موضوعی مطرح شده است را پاسخ دهد. در نهایت مقاله نشان می‌دهد که نظریه داده‌بنیاد دارای الگوریتمی است که می‌تواند به نحو نظام‌مندی در کشف مراد الهی به کار گرفته شود.

**کلیدواژه‌ها:** تفسیر موضوعی، ارزیابی روش شناختی، نظریه داده‌بنیاد، کدگذاری.

## ۱. مقدمه و بیان مسأله

دو سبک کلان در تفسیر قرآن مشاهده می‌شود: ترتیبی و موضوعی. مفسر در سبک تفسیر ترتیبی به تفسیر آیه به آیه قرآن پرداخته و در این راه از ابزارهایی همچون ظهور آیات، آیات هم‌مضمون و احادیث مأثور بهره می‌برد؛ اما این استفاده تنها برای کشف مدلول هر آیه انجام گرفته و وجه ارتباط آن با آیات مرتبط لحاظ نمی‌شود (ر.ک؛ صدر، ۱۳۷۹ش: ۳۸). در سبک تفسیر موضوعی، مفسر، آیات مرتبط با موضوعی خاص را از سراسر قرآن جمع‌آوری و یکجا بررسی می‌کند تا «دیدگاه» قرآن درباره آن موضوع خاص مشخص و ابعاد آن کشف شود (ر.ک؛ سبحانی، ۱۳۸۳ش: ۱۸؛ مکارم‌شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ش: ۳۲). برخی سبک تفسیر موضوعی را همسان با تفسیر قرآن به قرآن گرفته‌اند، در حالی که روش تفسیر قرآن به قرآن در قالب شناسایی آیات هم‌مضمون در سبک ترتیبی بسیار استفاده می‌شود تا جایی که از آن با عنوان نخستین منبع فهم مصحف شریف یاد شده است (ر.ک؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق: ۶؛ زرکشی، ۱۴۱۰ق، ۲۹۱/۲؛ طوسی، بی‌تا، ۴/۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۱/۱-۱۲).

در تفسیر قرآن به قرآن مفسر در پی کشف مراد یک آیه با آیات دیگری است که از لحاظ مضمون و سیاق با آیه مورد نظر شباهت دارند یا به نوعی در فهم آیه اثرگذار هستند؛ به این ترتیب، او تلاش می‌کند به فهم عمیق‌تری از آیه دست یابد. این در حالی است که هدف از تفسیر موضوعی فهم مدلول یک آیه به تنهایی نیست؛ بلکه هدف، کشف نظریه و استخراج دیدگاه قرآن در موضوعی خاص است (ر.ک؛ ابازی، ۱۳۸۲ش: ۶۹). از این رو عصر حاضر دوران شکوفایی این سبک تفسیری است، زیرا به دلیل ارتقای سطح فکری جوامع انسانی در درک معارف عالی و همچنین ظهور نحله‌های مختلف اعتقادی و بروز مسائل و شبهات نوپدید، اشتیاق اقشار مختلف بخصوص قشرهای جوان و تحصیل‌کرده برای شناخت دیدگاه قرآن درباره مسائل فردی و اجتماعی رو به افزایش است. این اقبال موجب شده است محققان در پی رفع نواقص و تکمیل و ارتقای این سبک تفسیری،

تلاش‌های فراوانی کنند که حاصل آن ابداع رویه‌های<sup>۱</sup> متنوع در سبک تفسیر موضوعی است. مراد از رویه، سلسله گام‌های متوالی و مرتبط به هم، به منظور تحقق یک هدف است (ر.ک؛ رایینز، ۱۳۸۴ش: ۹۵). رویه در حقیقت راهنمای عمل است که بر پایه آن یک فعالیت مشخصی به اجرا گذاشته می‌شود (ر.ک؛ کونتز، ۱۳۷۹ش: ۱۸۳).

بر این اساس، رویه تفسیری، مجموعه روش‌ها و رویکردهایی است که محققان برای به دست آوردن نظر قرآن درباره یک موضوع خاص در سبک تفسیر موضوعی به کار می‌برند. یکی از رویه‌های نسبتاً نوپدید در تفسیر موضوعی که در دهه‌های اخیر نظر جامعه علمی را به خود معطوف ساخته است، رویه نظریه داده بنیاد<sup>۲</sup> است. از آنجا که کاربرد این رویه بیشتر در علوم انسانی نظیر جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی است و به کارگیری آن در تفسیر دارای پیشینه طولانی نیست، ضروری است از دو منظر مورد بررسی قرار گیرد: عملیاتی‌سازی و کاربرد.

همان‌طور که اشاره شد این رویه در مطالعات علوم انسانی ریشه دارد و مفسر مایل است از آن در تفسیر بهره ببرد، پس باید دریابد که این رویه با همه مشخصاتی که در علوم انسانی دارد، در تفسیر هم پیاده‌سازی می‌شود. بنابراین باید از خود پرسد شیوه‌ی پیاده‌سازی نظریه داده‌بنیاد در قرآن و علم تفسیر به چه صورت است و از چه الگوریتمی<sup>۳</sup> در عمل پیروی می‌کند؟ آیا الگوریتم به کارگیری این رویه در تفسیر، همان الگوریتم به کار گرفته شده در علوم انسانی است یا در کلیت همانند است، ولی اختلافی در برخی مراحل دارد؟

جنبه دوم، گستره کاربرد و میزان کارآیی نظریه داده‌بنیاد نسبت به سایر رویه‌های مطرح در تفسیر موضوعی است. به تعبیر دیگر، کاربرد این رویه تا چه حد و دارای چه مزایا و قابلیت‌های ویژه‌ای است که موجب روی‌آوری محققان به این روش شده است؟ با این بررسی می‌توان نقاط ضعف و قوت نظریه داده‌بنیاد را شناسایی کرد و ضمن جلوگیری

- 
1. Procedure
  2. Grounded Theory
  3. Algorithm

از آسیب‌های احتمالی آن، فرصت ارتقای این رویه در تفسیر موضوعی را فراهم آورد. این مقاله به نحو عملیاتی درباره جنبه نخست (پیاده‌سازی) بحث نمی‌کند زیرا اجرای نظریه داده‌بنیاد روی مجموعه‌ای از آیات به بحث تفصیلی مستقلی نیاز دارد. با این حال به مراحل نظریه داده‌بنیاد از منظر روش‌شناختی می‌پردازد زیرا هدف از این مقاله، ارزیابی روش‌شناختی این رویه در مقایسه با رویه‌های مطرح تفسیر موضوعی همچون رویه استنتاجی و تنزیلی است.

مراد از رویه استنتاجی، رویه‌ای است که شهید صدر مبدع آن بود و در آن محقق در پی پاسخ‌گویی به مسائل و شبهات اجتماعی با انبوهی از تجربه و علم بشری به سراغ قرآن می‌رود و تلاش می‌کند با به نطق درآوردن قرآن، دیدگاه این کتاب الهی را درباره آن مسأله کشف نماید (ر.ک؛ صدر، ۱۴۲۱ق: ۲۹). دو ویژگی از شاخصه‌های اصلی تفسیر استنتاجی است؛ اول این که موضوع مورد مطالعه باید مشکل یا مسأله‌ای برآمده از دل اجتماع باشد، دوم این که محقق با دانش و اطلاعاتی که تا آن روز بشر به آن رسیده است به سراغ کشف دیدگاه قرآن می‌رود.

مراد از رویه تنزیلی، توجه به ترتیب نزول برای کشف روش‌های نهادینه کردن آموزه‌های قرآنی و تغییر و تحول فرهنگی در هر عصر است. طرفداران این رویه بر این باور هستند که قرآن علاوه بر محتوا، روش ترویج را هم در اختیار قرار می‌دهد. آنان معتقدند توجه به ترتیب نزول آیات و سیر تبلیغی پیامبر خدا (ص) و گام‌هایی که آن حضرت برای تحول فرهنگی برداشته است - که در ترتیب نزول هویدا است - قابل بومی‌سازی برای دوران معاصر و نهادینه‌سازی ارزش‌های اسلامی در این عصر است (ر.ک؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۲ش: ۲۵۵).

#### ۱-۱. پیشینه پژوهش

با وجود پژوهش‌هایی که بر مبنای نظریه داده‌بنیاد در عرصه‌های مختلف از جمله مطالعات اجتماعی و فرهنگی صورت گرفته است، تحقیقات به عمل آمده با استفاده از این نظریه در حوزه‌ی آموزه‌های قرآن و تفسیر بسیار محدود و محصول چند دهه‌ی اخیر است. این

پژوهش‌ها نیز عمدتاً به صورت مقاله ارائه شده‌اند تا گزارش‌های پژوهشی یا کتاب. از میان مقالات انجام گرفته می‌توان به مقاله ایازی و ربانی خوراسگانی (۱۳۹۲ش) اشاره کرد که در آن، موانع اجتماعی تفکر در پیشرفت با بهره‌گیری از قرآن و بر اساس نظریه داده‌بنیاد شناسایی شده است. برای این منظور از یک سو موانع ناظر به تعاملات اجتماعی تفکر و پیامدهای آن از قرآن استخراج شده و از سوی دیگر به تعیین معیار اجتماعی معرفت پرداخته شده است. «فقدان آموزش‌های صحیح تفکر»، «اختلال در فرآیند جامعه‌پذیری»، «فقدان سعه صدر»، «خودخواهی‌های فراگیر شده» مواردی است که در این مقاله از علل عدم تفکر شناخته شده است.

شنیدی و قدوی (۱۳۹۵ش) در مقاله خود که برای شناسایی مؤلفه‌های مدیریت تربیت از منظر قرآن و ارائه الگویی برای آموزش و پرورش، از نظریه داده‌بنیاد استفاده کرده‌اند، ۱۴۵ آیه از قرآن را که به نحوی با مدیریت تربیت در ارتباط هستند، جمع‌آوری و در ۱۳۳ کد اولیه جای داده‌اند. آنان سه عامل «شایسته‌گزینی»، «آینده‌سازی سازمانی» و «فرآیند مدیریتی» را به عنوان مؤثرترین عوامل در مدیریت تربیت معرفی می‌کنند که هر یک دارای خرده مضامینی منحصر به فرد است که شاخص‌ترین آن‌ها در «شایسته‌گزینی» مضمون «تعهد»، در «آینده‌سازی سازمانی» مضمون «بالندگی» و در «فرآیند مدیریتی» مضمون «عملکرد» است. بر اساس این پژوهش، ملاحظاتی برای مدیریت تربیت ضروری است. نخست، دو شاخص «تعهد» و «تخصص» مدیران برای تعیین نظام مدیریتی باید در مقیاس کمی و کیفی به صورت توأمان سنجیده شود. دوم، توان مدیران در تصویرسازی آینده و نگارش چشم‌اندازی دقیق برای ساختار تربیتی بر اساس نظام ارزشی و آموزه‌های قرآنی افزایش یابد. سوم، در هر مرحله از عملکرد، نسبت خروجی‌ها به ورودی‌ها ارزیابی گردد.

مقاله عباسی، ملکی و بهشتی (۱۳۹۸ش) به طراحی الگوی تربیت اخلاقی برای آموزش عالی می‌پردازد و از اجرای نظریه داده‌بنیاد بر تفسیر المیزان بهره می‌برد. آنان به شکلی مبسوط به کدگذاری آیات مرتبط پرداخته‌اند که حاصل آن ۸۸ کد است که در ۶

مفهوم «شرایط علی»، «عوامل مداخله‌گر تسهیل‌کننده»، «موانع»، «اصول تربیت اخلاقی»، «شیوه‌شناسی تربیت اخلاقی» و «ویژگی دانشجویان» منعکس می‌شوند. در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که شکاف معناداری بین وضعیت موجود و مطلوب تربیت اخلاقی در آموزش عالی وجود دارد و عواملی همچون «اصول تربیت اخلاقی»، «شرایط علی و زمینه‌ساز»، «راهبردها و شیوه‌شناسی تربیت اخلاقی»، «مداخله‌گرها؛ عوامل تسهیل‌کننده و موانع»، «بستر پدیده»، «پیامدها و نتایج تربیت اخلاقی» در تحقق الگوی تربیت اخلاقی مؤثر است.

نوربخش، ماشینچی و رنجبر (۱۳۹۹ش) در مقاله دیگری به طراحی الگوی تربیت اجتماعی از منظر قرآن، سنت و دیدگاه فلاسفه با نظریه داده‌بنیاد می‌پردازند. آنان به جای مواجهه مستقیم با متن قرآن یا روایات به مصاحبه با صاحب‌نظران رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه‌های کشور روی آورده‌اند. آنان در گام نخست به ۱۰۰ کد اولیه و سپس ۲۹ مقوله دست می‌یابند. در نهایت تحقق نظام تربیت اجتماعی مطلوب را از طریق تدوین «سیستم مناسب آموزشی»، «استفاده از معلمان متبحر»، «اصلاح ساختار مراکز آموزشی»، «حمایت از مسئولان و مدیران»، «ترویج آموزه‌های دینی» اکان‌پذیر می‌دانند. حاصل این نظام افزایش استانداردهای آموزشی، پرورشی، تربیتی و فرهنگی، تولید محتوا و افزایش مشارکت و حمایت معلمان و مربیان در نظام آموزشی کشور است.

صرف نظر از اختلاف موضوع این چهار مقاله، آنها از نظر منبع داده متفاوت هستند. مقاله اول و دوم به طور مستقیم خود آیات قرآن را مبنای پیاده‌سازی نظریه داده‌بنیاد قرار می‌دهد در حالی که مقاله‌های سوم و چهارم به طور غیرمستقیم از منبع قرآن بهره می‌برند؛ مقاله دوم از متن تفسیر المیزان و مقاله چهارم از متن مصاحبه با صاحب‌نظران به عنوان داده استفاده می‌کند. همین چهار مثال، به نوعی تنوع منابع داده‌ای قابل استفاده برای نظریه داده‌بنیاد را نشان می‌دهند.

برای آشنایی بیشتر خوانندگان به کاربردهای غیرقرآنی نظریه داده‌بنیاد، می‌توان به مقاله «مقدمه‌ای بر روش کیفی نظریه‌سازی داده‌بنیاد» اثر حسرتی (۱۳۸۵ش)، مقاله «واکاوی

علل ناکامی یکپارچه‌سازی خط مشی‌های فرهنگی در ایران؛ مطالعه مبتنی بر روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد» اثر عطاردی، قلی‌پور، دانایی‌فرد، امیری (۱۳۹۵ش)، مقاله «الگوی نظری خط‌مشی‌گذاری برای اصلاح نظام اداری در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر روش داده‌بنیاد» اثر ابوالحسنی رنجبر، دانش فرد، فقیهی (۱۳۹۷ش) مراجعه کرد.

عمده پیشینه مرتبط با نظریه داده‌بنیاد موردپژوهی است، یعنی پژوهشگر از این رویه برای یک مطالعه تفسیری استفاده کرده است و آن را در عمل پیاده کرده است در حالی که مقاله حاضر در صدد معرفی خود روش، ملاحظات خاص کاربست آن در مطالعات قرآنی و ارزیابی آن است. اهمیت این مقاله از آن رو است که اشکالاتی درباره نظریه داده‌بنیاد در مطالعات قرآنی مطرح است که ناشی از آشنایی نادقیق با این رویه و تفات‌های کاربست آن در مطالعات قرآنی است. بنابراین، مقاله حاضر مراحل پیاده‌سازی نظریه داده‌بنیاد را با تأکید بر کاربرد قرآنی آن معرفی می‌کند و سپس به ارزیابی آن و پاسخ به برخی اشکالات می‌پردازد.

## ۲. جستاری در مراحل نظریه داده‌بنیاد در تفسیر

مسئله یا سوال، محور اصلی پژوهش است. بنا بر ماهیت سوال، معمولاً پژوهش‌گر یکی از دو دسته روش‌های پژوهش را برای پاسخ‌گویی به سؤال خود در اختیار دارد. روش‌های پژوهش کمی<sup>۱</sup> که با داده‌هایی از جنس اعداد و ارقام سروکار دارند و پژوهش‌گر آن‌ها را با سازوکاری تصادفی از جامعه تحت مطالعه گردآوری و با روش‌های آماری تحلیل می‌کند. دسته دیگر، روش‌های پژوهش کیفی<sup>۲</sup> هستند که به جای داده‌های عددی (کمی) با داده‌هایی مانند متن، عکس، صوت، فیلم و... سروکار دارند. پژوهش‌گر کیفی با یک جامعه کم و بیش کوچک به عنوان منبع داده رو به رو هستند و داده‌ها را از نمونه‌های هدفمند گردآوری می‌کنند و با ابزارهای تحلیلی مانند تحلیل مضمون، تحلیل محتوای کیفی، نظریه داده‌بنیاد و...، به دنبال تحلیل این داده‌ها برای دستیابی به فهم دقیق و جزئی

1. Quantitative Research Methods

2. Qualitative Research Methods



دلایل، روابط، باورها، دیدگاه‌ها و انگیزه‌ها و... هستند (مونیکه، ۱۳۹۴ش: ۴۵). گفتنی است این مقاله از میان تمامی روش‌های تحلیل کیفی به روش «نظریه داده‌بنیاد» که «نظریه زمینه‌ای» هم خوانده می‌شود، می‌پردازد؛ زیرا این روش علاوه بر تحلیل متنی به دنبال کشف نظریه بوده و از این جهت دارای نظامی دقیق‌تر و دیدی کلان‌تر نسبت به روش‌های تحلیلی دیگر است (ر.ک؛ بیابانگرد، ۱۳۸۶ش: ۷۰ / ۲) اصطلاح «نظریه زمینه‌ای» از نظر لغوی با واژه‌ی انگلیسی آن «Grounded Theory» قرابت بیشتری دارد و نشانگر آن است که هر نظریه که بر اساس این روش حاصل می‌شود بر زمینه‌ای از داده‌های واقعی استوار است، اما اصطلاح «داده‌بنیاد» کاربرد بیشتری میان پژوهش‌گران دارد (ر.ک؛ مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰ش: ۱۱).

در ادامه به اجمال درباره نحوه پیاده‌سازی نظریه داده‌بنیاد در مطالعات تفسیری صحبت می‌شود. خواهیم دید که دامنه کارآمدی نظریه داده‌بنیاد کاملاً به داده‌های کیفی مورد تحلیل وابسته است. بنابراین ضروری است ابتدا درباره گردآوری داده‌ها در پژوهش‌های تفسیر موضوعی صحبت شود. در واقع، گزینش آیات و نحوه طبقه‌بندی آن‌ها زیربنای دقت و اعتبار یافته‌هایی است که از نظریه داده‌بنیاد به دست می‌آید.

## ۲-۱. داده‌ها

در مطالعات تفسیری، داده‌ها عمدتاً همان متن مصحف شریف هستند هر چند که متن یک کتاب تفسیری یا متن مصاحبه با صاحب‌نظران قرآنی یا روایات تفسیری هم می‌توانند منابع بالقوه‌ای برای مطالعات تفسیری باشند. از آنجا که هدف اصلی از به کارگیری نظریه داده‌بنیاد استخراج دیدگاه قرآن است، بدیهی است متن خود قرآن بیشترین اولویت را برای پیاده‌سازی این روش دارد زیرا مستقل از زمان و مکان در اعصار مختلف می‌تواند بازگوکننده دیدگاه الهی باشد.

در این رابطه امام صادق (علیه‌السلام) اینگونه می‌فرماید: «إِنَّ الْقُرْآنَ حَىٰ لَمْ يَمُتْ وَإِنَّهُ يَجْرِي كَمَا يَجْرِي اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَكَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَ يَجْرِي عَلَيَّ آخِرِنَا كَمَا يَجْرِي عَلَيَّ أَوْلَانَا؛ قرآن زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد و جاری است همان‌گونه که شب

و روز در جریان است و همان‌طور که خورشید و ماه در جریان است و بر آخر ما جاری است همان‌گونه که بر اول ما جاری است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۴۰۴/۳۵). در حدیثی دیگر امام رضا (علیه‌السلام) از پدر خویش نقل می‌کند که مردی از امام صادق (علیه‌السلام) پرسید: چگونه است که بررسی و مطالعه و نشر مطالب قرآن جز بر تازگی و طراوتش نمی‌افزاید؟ ایشان در پاسخ فرمودند: زیرا (خداوند) آن را برای زمان و مردم خاصی قرار نداده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱۵/۹۲). به عبارت دیگر اطلاعات حاصل از آیات قرآن اطلاعات تاریخ گذشته‌ی بی‌جان نیست بلکه به دلیل بطون مختلف آیات آن، داده‌های آن در هر عصر مفهومی تازه می‌یابد که مفهوم پیشین خود را تکامل می‌بخشد و این است راز جاودانگی و تکرارناپذیری قرآن (ر.ک؛ صدر، ۱۴۲۱ق: ۱۸-۲۰).

گزینش آیات جنبه اساسی برای استخراج دیدگاه قرآن نسبت به یک موضوع است. ابتدا باید با نگاهی آزاد (و نه سختگیرانه) آیاتی را که به نحوی با موضوع مورد پژوهش ارتباط دارند، برگزید. البته رویکرد محققان در گردآوری این آیات متفاوت است. برخی تنها آیاتی را برمی‌گزینند که واژگان خاصی در آن به کار رفته باشد. برخی آیات هم‌مضمون را هم در نظر می‌گیرند و برخی آیاتی که حاوی واژه‌های هم‌نشین، جانشین یا متضاد هستند را هم به منظور درک بهتر مراد الهی در نظر می‌گیرند (ر.ک؛ ایزتسو، ۱۳۶۱ش: ۲۸). برخی با رجوع به روایات یا اسباب نزول یا فراتر نهاده آیاتی که به ظاهر ارتباطی با موضوع ندارند ولی بطنی از آنها موجب آشکاری مفهوم مورد نظر می‌شود هم در نظر می‌گیرند.

## ۲-۲. کدگذاری

در نظریه داده‌بنیاد، پس از گردآوری داده‌ها که می‌تواند برگرفته از مصاحبه یا یک متن باشد، اقدام به کدگذاری داده‌ها می‌شود. اصطلاح کد برای نشانه‌گذاری یک ایده، نظر، موضوع یا مسأله آشکار در متن (داده‌ها) به کار می‌رود. کدها به مثابه نشانگرهایی هستند که بخشی از متن را برجسب می‌زنند و آن‌ها را متمایز می‌سازند زیرا لزوماً همه متن با موضوع پژوهش در ارتباط نیست، پس تنها بخش‌های مرتبط نشانه‌گذاری می‌شوند.

هدف از ساختن کد دو چیز است. نخست، شناسایی مسائل مطرح شده در داده‌ها یعنی همان نشانه گذاری متن. دوم، شناسایی محل داده‌ها که در مطالعات تفسیری بیشتر از مطالعات علوم انسانی اهمیت و کاربرد دارد. در حقیقت کدگذاری از یک سو موجب نظم‌دهی مفهومی به داده‌ها می‌شود زیرا آیات مرتبط با موضوع پژوهش را متمایز از سایر آیات می‌سازد و از سوی دیگر در برخی از رویه‌های تفسیر موضوعی همچون رویه تنزیلی راهگشا است. محقق تنزیلی بر این باور است که توجه به ترتیب نزول - که مستلزم شناسایی محل آیات در سیر نزول است - در درک مراد الهی و کشف روش‌های نهادینه کردن آموزه‌های قرآنی مؤثر است و این مهم با تأمل در سبک بیانی قرآن که در ترتیب نزول آیات متجلی است، میسر می‌شود (ر.ک؛ بهجت پور، ۱۳۹۲ش: ۸۷).

ساختن کدها به دو نحو استقرایی که مستقیم از داده‌ها به دست می‌آید و قیاسی که از نظریه‌ها یا مفاهیمی که در مرحله اولیه مطالعه از سوی پژوهش‌گر مشخص می‌شود، ساخته می‌شوند (ر.ک؛ اشتراوس و کرین، ۱۳۹۰ش: ۳۵؛ مونیکه، ۱۳۹۴ش: ۳۵۳ - ۳۲۸). کدهای قیاسی پیش از مراجعه به آیات مشخص هستند و کافی است پژوهش‌گر هنگام مواجهه با یک آیه مرتبط با موضوع پژوهش، تشخیص دهد که کدام کد شامل حال آن آیه می‌شود. هنگامی که دیدگاه جامعی نسبت به موضوع پژوهش وجود دارد، استفاده از کدهای قیاسی می‌تواند سودمند باشد ولی با توجه به هدف تفسیر موضوعی که با موقعیتی اکتشافی رو به رو است، دور از انتظار است کدهایی جامع در اختیار باشند که بتوانند همه آیات را به نحوی متمایز و با جزئیات پوشش دهند. بر این اساس، باید اطمینان داشت که آنچه پژوهش‌گر به عنوان کد قیاسی در نظر گرفته است واقعاً در داده‌ها مشهود باشند و تحمیل نظر بر متن صورت نگرفته باشد.

در مقابل، کدهای استقرایی از خوانش داده‌ها و مسائل مطرح شده در آیات به دست می‌آیند. این کدها از خود آیه شناسایی می‌شوند بدون اینکه چهارچوبی از پیش تعیین شده بر محتوای آیات تحمیل شود و لازم باشد آیات در یکی از کدهای قیاسی جای داده شوند. در واقع، کدهای استقرایی در مطالعات تفسیری اهمیت بسیار دارند زیرا این امکان

را فراهم می‌سازند که داده‌ها (آیات قرآن) خود سخن بگویند.

کدی که به یک آیه اختصاص داده می‌شود، مضمون محوری خاص آن آیه است و می‌تواند عنوانی باشد که در بردارنده مفهوم اصلی آن آیه محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد کدهای قیاسی در مطالعات قرآنی می‌توانند برگرفته از کتاب‌های تفسیری، احادیث یا منابع فلسفی، کلامی یا اخلاقی باشند؛ حتی می‌توان فراتر رفت و کدها را با توجه به گستره موضوع پژوهش از منابع روان‌شناسی، جامعه‌شناسی یا علوم سیاسی و مانند آنها شناسایی کرد و به کار گرفت. کدهای استقرایی در لحظه مواجهه با آیه‌ای مرتبط تعیین می‌شوند؛ علاوه بر تأثیری که محتوا و مضمون محوری آیه بر انتخاب کدهای استقرایی دارد، بدیهی است گستره دانش پژوهش‌گر هم کم و بیش بر انتخاب کد متناسب با آیه اثرگذار است. با این حال، عمدتاً یک یا چند واژه از خود آیه یا حد کل آیه به عنوان کد انتخاب می‌شود. این امکان هم وجود دارد که یک آیه حاوی بیش از یک مضمون مرتبط با موضوع پژوهش باشد و برای هر مضمون، کدی جداگانه تعیین شود.

برای مثال، اگر محقق در پی شناخت دیدگاه قرآن نسبت به جایگاه زن باشد. ابتدا به جمع‌آوری آزاد آیاتی که به نوعی به زن اشاره دارد، می‌پردازد. با بررسی قرآن معلوم می‌شود ۸۷ آیه از سوره‌های مکی و ۸۸ آیه از سوره‌های مدنی به نحوی به زن اشاره دارند. پس دست کم به تعداد این آیات، ۱۷۵ کد خواهد داشت به نحوی که هنگام مواجهه با آیه ۴۹ سوره شوری (لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنثًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذَّكَوْرَ)، چون واژه «إِنثًا» را در آن مشاهده می‌کند، بخش «يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنثًا» یا همه آیه را یک کد به شمار می‌آورد. البته ممکن است پس از کدگذاری همه داده‌ها و در بازبینی آنها یا حتی در مرحله بعد (مقوله‌بندی)، به این نتیجه برسد که این آیه را از مطالعه خود خارج کند، ولی در مواجهه نخست باید آزادانه به کدگذاری متن اقدام کند تا اطمینان یابد آیه‌ای از نظر او دور نمانده است.

## ۲-۳. مقوله‌بندی

مقوله‌بندی عبارت است از گروه‌بندی کدهای دارای اشتراک تحت عنوانی کلی‌تر که

مقوله نامیده می‌شود. مقوله‌بندی، عملیاتی انتزاعی‌تر از کدگذاری است طوری که پژوهش‌گر اندکی از متن (عبارت‌های آشکار متن) دور می‌شود و کمی کلی‌تر به آن نگاه می‌کند (Strauss and Corbin, 1998, p. 365). اصولاً ادغام کدهای دارای وجه مشترک و رسیدن به مقوله‌ها، نگاه جزئی به متن را به نگاه کلی به متن تبدیل می‌کند.

در واقع، در مرحله کدگذاری به آیات مختلف نگاه انفرادی می‌شود و تمرکز بر تمایز آنها از یکدیگر است در حالی که در مرحله مقوله‌بندی به جنبه اشتراک دو یا چند کد (آیه) توجه می‌شود. برای مثال، اگر پژوهش‌گر در مطالعه دیدگاه قرآن به زنان، کد «به اکراه نگرفتن ارث زنان» را به آیه ۱۹ سوره نساء (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا) و کد «پس نگرفتن مال بخشیده شده به همسر» را به آیه (فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا) اختصاص داده باشد، در مرحله مقوله‌بندی هر دو کد را می‌تواند ذیل مقوله «احکام اقتصادی زنان» قرار دهد زیرا آنها را دارای مضمون مشابهی به لحاظ مالی و اقتصادی هستند. این عنوان عیناً در آیه نام برده نشده است، پس انتزاعی است، ولی ریشه در خود آیات دارد، این همان منظوری است که نظریه داده‌بنیاد از «داده‌بنیاد» بودن نظریه حاصل از داده‌ها دنبال می‌کند.

## ۲-۴. مفهوم‌پردازی و تولید نظریه

مفهوم‌پردازی درکی فراگیرتر از داده‌ها به دست می‌دهد زیرا اولاً مفاهیم انتزاعی‌تر و کلی‌تری از مقوله‌ها را در بر دارد و ثانیاً به ارتباط این مفاهیم و ایجاد گزاره‌هایی درباره آنها منجر می‌شود (نظریه). اگرچه مفهوم‌پردازی انتزاعی و کلی‌تر است، با این حال نباید از داده‌ها (آیات) دور شد تا مفاهیم ایجاد شده از داده‌ها همانند کدها و مقوله‌ها مبتنی بر واقعیت متن باشند. شایان ذکر است مقوله‌بندی می‌تواند بخشی از فرایند مفهوم‌پردازی قلمداد شود زیرا مضامین آیات را در دسته‌بندی‌های سازمان‌یافته‌تری قرار می‌دهد که خود می‌تواند آغازگر فرایند مفهوم‌پردازی باشد.

دستیابی به مفاهیم با پرسشگری و تغییر موقعیت پژوهش‌گر امکان‌پذیر است. گاهی باید آیه‌ای را که به مضمونی جزئی می‌پردازد، کلی‌تر دید یا بر عکس، به شناسایی

مصادیق جزئی از یک آیه کلی پرداخت. پژوهش گر باید دائم از خود بپرسد این آیات چه ارتباطی با یکدیگر دارند. اغلب در بررسی آیات، کمی ساده‌سازی سودمند است، ولی این ساده‌سازی نباید منجر به قلب واقعیت آیه شود. پژوهش گر برای دستیابی به مفاهیمی که از یک سو کلی باشند و از سوی دیگر ریشه در آیات داشته باشند، نیاز به فاصله گرفتن از آیات و دوباره نزدیک شدن به آیات دارد. فاصله گرفتن دیدی کلی از آنچه آیات می‌گویند، به دست می‌دهد و نزدیک شدن دوباره تضمین می‌کند پیوند این دید کلی با آیات حفظ شود زیرا از طریق آن جزئیات بیشتری مشاهده و ارتباط بین آیات آشکارتر می‌شود. این ارتباطات نقش اساسی در پدیدار شدن نظریه و ارائه گزاره‌ها دارد. واکاوی میان اجزای آیات با هم می‌تواند این ارتباطات را آشکار سازد.

برای مثال، اگر به آیات ۱۹ و ۲۰ سوره نساء که در بخش مقوله‌بندی اشاره شد، آیه ۲۴۱ سوره بقره (وَلِلْمُطَلَّقاتِ مَتاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ) با کد «حفظ حقوق و عواطف زنان مطلقه» و آیه ۴۹ سوره احزاب (یا ایُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِذا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِناتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَیْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَحوهُنَّ سَرَاحاً جَمیلاً) با کد «مدارای در طلاق» اضافه شود، در خواهیم یافت که یک جنبه مشترک بین هر چهار آیه، نحوه رفتار مناسب با زن است، یعنی می‌توان مفهومی عام‌تر با عنوان «معاشرت به معروف» را از آنها شناسایی کرد.

این مفهوم عام از فاصله گرفتن از جزئیات این آیات به دست می‌آید. همان‌طور که از آیات ۱۹ و ۲۰ سوره نساء، مقوله «احکام اقتصادی زنان» به دست آمد، زیرا هر آیه به یک موضوع مالی و اقتصادی مربوط بود و با نادیده گرفتن جنبه جزئی آنها جنبه مشترک نمایان شد، اکنون با حذف جزئیات آیه ۲۴۱ سوره بقره و ۴۹ سوره احزاب، جنبه مشترکی بین هر چهار آیه به دست می‌آید که می‌توان آن را «معاشرت به معروف» نامید.

اکنون می‌توان مفهوم‌پردازی را با ارائه نظریه، جامع‌تر ساخت. ارائه نظریه به تدریج و در یک فرایند تحلیلی امکان‌پذیر است و کاملاً در داده‌ها ریشه دارد. در مثال مربوط به دیدگاه قرآن نسبت به زنان، قرآن از نقش «مادری» و جایگاه ویژه او (مریم، ۳۲؛ طه، ۳۸؛

قصص، ۷)، از نقش «دختری» و خیر کثیر آن (کوثر، ۱؛ قصص، ۲۳، ۲۵ و ۲۶)، از نقش «خواهری» و کمک‌رسانی‌هایی که در نجات جان برادر خود دارد (قصص، ۱۱ و ۱۲) و همچنین از نقش «همسری» و مسئولیت آرامش‌گری (دخان، ۵۴؛ نحل، ۷۲) صحبت می‌کند. بنابراین چهار مفهوم نقش «مادری»، «همسری»، «خواهری» و «دختری» شناسایی می‌شود که خودشان مفهوم عام‌تر «جایگاه خانوادگی زن» را به دست می‌دهند.

با مراجعه به متن و شناسایی مکان و بافت آیات مشخص می‌شود آیات سوره‌های مدنی به طور ویژه به حقوق عاطفی، اجتماعی و اقتصادی زن توجه دارند (بقره، ۲۲۲، ۲۲۶، ۲۲۸ تا ۲۳۵، ۲۳۷ و ۲۴۱؛ احزاب، ۴۹؛ نساء، ۴ و ۱۱) و از سوی دیگر، قرآن تصریح می‌کند که اگر مردم عصر جاهلی دارای فرزند دختر می‌شدند بر سر دو راهی می‌ماندند که او را زنده به گور کنند یا با خواری و مذلت او را نگه دارند (نحل، ۵۸ و ۵۹). بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که خداوند متعال برای زنی که در عصر جاهلی جایگاهی نداشت، جایگاهی می‌دهد که ارث ببرد و حقوق مادی و معنوی او در طلاق و پس از فوت همسر رعایت شود.

### ۳. ارزیابی

ارزیابی نظریه داده بنیاد در دو بخش صورت می‌گیرد. بخش اول به مقایسه کاربرد نظریه داده بنیاد در مطالعات تفسیری با مطالعات علوم انسانی می‌پردازد. بخش دوم نیز به مقایسه این رویه با سایر رویه‌های تفسیر موضوعی و ایرادهای وارد بر این رویه می‌پردازد.

#### ۳-۱. مقایسه کاربرد نظریه داده بنیاد در مطالعات تفسیری با علوم انسانی

پیاده‌سازی نظریه داده بنیاد در مطالعات تفسیری سه تفاوت با به کارگیری آن در علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی یا مطالعات فرهنگی دارد. نخست، متنی که با نظریه داده بنیاد در مطالعات تفسیری تحلیل می‌شود، عمدتاً محدود به متن قرآن کریم است در حالی که علوم انسانی با منابع داده‌ای متغیر و متعددی حتی در موضوع واحد رو به رو هستند. دوم، متن قرآن کریم منبع داده‌ای مشخص با تعداد کدهای محدودی را فراهم می‌آورد به نحوی که

امکان کمتری برای ساختن مقوله‌ها از کدها فراهم است. دور از انتظار نیست که وقتی تعداد کمی آیه با موضوع پژوهش قرآنی در ارتباط باشد، نتوان از کدها، مقوله‌های زیادی را ایجاد کرد و چه بسا مفاهیم مستقیماً از همان کدها (آیات) به دست آیند. سوم، کدگذاری استقرایی با هدف تفسیر موضوعی که ماهیتی اکتشافی دارد، سازگارتر است در حالی که کدگذاری قیاسی هم در مطالعات علوم انسانی راهگشا است.

یک جنبه اشتراک نیز بین کاربرست نظریه داده‌بنیاد در مطالعات قرآنی و مطالعات علوم انسانی وجود دارد. در مطالعات تفسیری تلاش می‌شود محقق بدون پیش‌فرض شخصی و تحمیل رأی به سراغ قرآن برود. این همان رویکردی است که روش‌های پژوهش کیفی به طور عام و نظریه داده‌بنیاد به طور خاص دنبال می‌کند. نظریه داده‌بنیاد می‌کوشد نظریه‌ای را ارائه دهد که تا حد امکان ریشه در داده‌ها داشته باشد همان طور که محقق قرآنی در صدد شناخت مراد خود قرآن است. بنابراین استفاده از نظریه داده‌بنیاد برای تفسیر موضوعی قرآن کاملاً با این هدف که دیدگاه قرآن در خود قرآن درباره موضوع پژوهش کشف شود، همخوان است.

### ۲-۳. مقایسه نظریه داده‌بنیاد با برخی رویه‌های تفسیر موضوعی

در این بخش نقاط اشتراک و افتراق نظریه داده‌بنیاد با برخی رویه‌های تفسیر موضوعی مقایسه می‌شود و از موضوعاتی مانند «نقش پیش‌فرض‌ها»، «نقش اجتهاد»، «نقش اصول موضوعه» و «مغایرت میان نظریه‌ها» صحبت به میان می‌آید.

### ۱-۲-۳. نقش پیش‌فرض‌ها

گفته شد هدف پژوهش گر کیفی به ویژه در نظریه داده‌بنیاد و همچنین پژوهش گر قرآنی تحمیل نکردن پیش‌فرض و ذهنیت قبلی بر متن است. به جز رویه نظریه داده‌بنیاد، این هدف در بیشتر رویه‌های تفسیر موضوعی شامل تنزیلی، واژه‌محور یا سبک ایزتسو دنبال می‌شود.

به نظر می‌رسد رویه استنطاقی است که پیش از مواجهه با متن (قرآن کریم)،



اندوخته‌ای از دانش و تجربه بشری را فراهم می‌کند و سپس به سراغ قرآن می‌رود تا به کمک این اندخته، قرآن را به نطق آورد. محقق در رویه استنتاجی نقشی فعال، پرسشگر و مکتشف دارد به نحوی که می‌کوشد بر اساس پرسش‌های زمانه، ظرفیت معنایی قرآن را به نمایش بگذارد. بنابراین، عملیات این رویه تفسیری، عملیاتی اجتهادی و پویا است و محقق در آن نقشی بسزا دارد (ر.ک؛ صدر، ۱۴۲۱ق: ۳۳ - ۳۶).

این ویژگی از نظر محقق استنتاجی همان نقشی است که حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ۸۶ نهج البلاغه بدان اشاره می‌فرماید: «ذلک القرآن فاستنطقوه و لن ینطق و لکن اخبركم عنه الا ان فیه علم ما یأتی و الحدیث عن الماضی و دواء داءکم و نظم ما بینکم؛ آن را به سخن آرید. گرچه هرگز (با زبان عادی) سخن نمی‌گوید؛ اما من از جانب او شما را آگاهی می‌دهم. بدانید در قرآن علوم آینده و اخبار گذشته، داروی بیماری‌ها و نظم حیات اجتماعی شماس».

با وجود این نباید تصور شود که رویه نظریه داده بنیاد از ظرفیت‌های دانش و تجربه بشری محروم است. تفاوت نظریه داده بنیاد و استنتاجی در زمان متفاوت ورود دانش و تجربه علوم در فرایند تفسیر است. رویه استنتاجی از همان ابتدا با اندوخته دانش و تجربه بشری با قرآن مواجه می‌شود در حالی که نظریه داده بنیاد در مرحله مفهوم پردازی. البته اگر رویه داده بنیاد کدگذاری قیاسی را در پیش بگیرد، مانند رویه استنتاجی از همان ابتدا باید برای شناسایی کدهای قیاسی به منابع تفسیری، علمی و تجربی و... مراجعه کند.

### ۳-۲-۲. نقش اجتهاد

نکته دیگر در تفسیر موضوعی اجتهادی بودن آن است. برخی محققان تفسیر موضوعی از جمله شهید صدر معتقد هستند درک متون عمیق دینی از جمله قرآن به تخصص و مهارت استفاده از قواعد پیچیده و دقیق اجتهادی نیاز دارد (صدر، ۱۴۲۱ق: ۳۳ - ۳۶). همچنان که در رویه تنزیلی نیز این مهارت در تعیین ترتیب نزول آیات و سوره‌های قرآنی توسط برخی از پژوهشگران به کار می‌رود (بازرگان، ۱۳۶۵ش: ۱۴). اجتهاد در تفسیر موضوعی مرسوم نیز کاربرد دارد و وقتی محقق از دسته‌بندی‌های دانش‌های مختلف برای سازمان‌دهی

موضوعات قرآنی بهره می‌برد، از اجتهاد خویش کمک می‌گیرد (ر.ک؛ مصباح‌یزدی، ۱۳۷۳ش: ۱/ ۲۶۹).

این در حالی است که برخی از پژوهشگران معتقدند روش داده‌بنیاد، یک روش اجتهادی نیست و در مقام فهم معانی عمیق قرآنی نمی‌باشد. آنان بر این باورند که این روش صرفاً الگوریتمی برای تحلیل متن است و به شناخت معنای بین‌الذهانی انسان‌ها منجر می‌شود. از این رو، روش استخراج نظریه در رویه داده‌بنیاد را ناکارآمد می‌شمارند (ر.ک؛ محمدی‌فرد، ۱۴۰۰ش: ۹۶ و ۱۰۰). به نظر می‌رسد این برداشت از نظریه داده‌بنیاد با واقعیت آن ناسازگار باشد. درست است که نظریه داده‌بنیاد ابزاری برای تحلیل متن است، ولی گاهی این متن، مصاحبه با تعدادی از افراد است، پس معانی بین‌الذهانی بشری شناسایی می‌شود و گاهی این متن، کلام الهی با بشر است، پس معانی و مضامین کشف شده، از معانی بین‌الذهانی بشری نیستند، بلکه دیدگاه قرآن را منعکس می‌سازند.

به علاوه، نباید نظریه داده‌بنیاد را صرفاً الگوریتمی مکانیکی در نظر گرفت که خالی از هر گونه اندیشه و اجتهاد است. پژوهش‌گری که نظریه داده‌بنیاد را برای تفسیر موضوعی به کار می‌گیرد، در عین طی کردن گام‌های تحقیق کیفی از تحلیل اجتهادی خود به ویژه در مرحله مفهوم‌پردازی بهره می‌برد. اتکای صرف به متن نمی‌تواند محقق قرآنی را به شناسایی مفاهیم کلی و انتزاعی و روابط بین آنها برساند، بلکه روابط و پیوند بین آنها نتیجه بهره‌مندی از منابع، اندیشه و اجتهاد است. آنچه مسلم است هرگز تحلیل سطحی نمی‌تواند منجر به تولید نظریه شود.

### ۳-۲-۳. نقش اصول موضوعه

بیشتر رویه‌های تفسیری حاوی اصول و مبانی هستند که در دین ثابت شده‌اند، مانند «یگانگی و عدم جسمانیت خدا»، «عصمت انبیاء»، «مصونیت مصحف شریف از تحریف» و... . محقق این مبانی را به عنوان اصول موضوعه در نظر گرفته و با لحاظ آن‌ها به سراغ کشف دیدگاه قرآن نسبت به یک موضوع می‌رود. در غیر این صورت، این احتمال وجود دارد که دیدگاه کشف شده با اصول ثابت اسلامی مغایرت داشته باشد (ر.ک؛

سعیدی‌روشن، ۱۳۹۸ش: ۸۸ و ۸۹). همچنین است لزوم لحاظ مبانی تأثیرگذار در فهم متون دینی همچون «سیاق»، «تناظر آیات»، «معانی ظاهری و باطنی» که از جمله ضوابط حائز اهمیت در بیشتر رویه‌های تفسیری از جمله تفسیر تنزیلی (ر.ک؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۰ش: ۸۱) و استنطاقی (ر.ک؛ صدر، ۱۴۲۱ق: ۱۰ و ۱۱) است.

بر این اساس، برخی صاحب‌نظران مدعی شدند اصول موضوعه در رویه داده‌بنیاد لحاظ نمی‌شود، حتی گاهی برخلاف آن عمل می‌شود. مثلاً برای کدگذاری، واژگان از سیاق خود خارج می‌شوند یا واژگان تکراری حذف می‌شوند، در حالی که گاهی واژگان مشابه در سیاق‌های متفاوت، معانی متفاوت داشته و حذف آن‌ها موجب از دست رفتن قسمتی از معنا می‌شود (ر.ک؛ سعیدی‌روشن، ۱۳۸۹ش: ۹۰).

این ادعا با بحثی که در گردآوری داده در مطالعات تفسیری گفته شد و اصول کدگذاری همخوانی ندارد. تأکید شد که گردآوری داده‌ها «آزادانه» صورت می‌گیرد، پس دست کم در این مرحله عامدانه یا به دلیل فرایند نظریه داده‌بنیاد، آیه‌ای حذف نمی‌شود. در مرحله کدگذاری، صرف اینکه واژه‌ای بین دو آیه مشترک است، آن دو آیه را ذیل کد واحدی قرار نمی‌دهد. البته ممکن است در مرحله مقوله‌بندی پژوهش‌گر به این نتیجه برسد که هر دو آیه دارای مضمون مشترکی هستند، پس باید ذیل مقوله واحدی قرار بگیرند. بدیهی است تصمیم درباره اینکه مضمون مشترکی بین دو آیه وجود دارد یا لحاظ اصول موضوعه و مبانی تفسیری و هدف مطالعه صورت می‌گیرد.

بر این اساس، در مراحل ابتدایی پیاده‌سازی نظریه داده‌بنیاد یعنی گردآوری داده، کدگذاری و حتی مقوله‌بندی، احتمال حذف آیات مرتبط یا برداشت اشتباه از آنها به همان اندازه است که در رویه‌های دیگر تفسیری رخ می‌دهند؛ یعنی ناشی از خطای انسانی یا جهل مرکب اوست نه خود فرایند نظریه داده‌بنیاد. در مرحله مفهوم‌پردازی هم دست کم رابطه بین مفاهیم با توجه به اصول موضوعه و مبانی درک آیات مانند لحاظ سیاق امکان‌پذیر است. بیشتر تأکید شد که شناسایی مفاهیم و پیوند بین آنها با فاصله‌گرفتن از آیات و دوباره نزدیک شدن به آیات صورت می‌گیرد. منظور از نزدیک شدن، لحاظ

همین جنبه‌های خاص هر آیه از جمله سیاق و معانی بطنی است.

### ۳-۲-۳. مغایرت میان نظریه‌ها

برخی منتقدان بر نظریه داده‌بنیاد اشکال می‌کنند که مراحل آن از کدگذاری، مقوله‌بندی و مفهوم‌پردازی تا تولید نظریه بر تحلیل فرد پژوهش‌گر استوار است. هر محققى که به پژوهش می‌پردازد، اطلاعاتی در ذهن دارد و حتی اگر بتواند خالی‌الذهن به تحقیق بپردازد، در خلال تحقیق ذهنیاتی می‌یابد که گریزی از آن‌ها نیست. گرچه تلاش می‌شود هر یک از مراحل فرایند پژوهش بر مبنای قواعد مشخص اجرا شود و تمایلات ذهنی تحلیل‌گر در یافته‌های تحقیق کمترین اثر را داشته باشد، ولی تمایلات مذکور هیچگاه به طور کامل از بین نمی‌رود و این سوال را که آیا ممکن است تحلیل‌گران متفاوت با تبعیت از روش‌های یکسان و اطلاعات مشابه به نتایج مشابهی برسند را باقی می‌گذارد (ر.ک؛ هولستی، ۱۳۷۳ش: ۱۴). اصولاً در این روش، منبع معرفتی مرجع و آنچه برون داد تحقیق دینی را به محک آزمودن می‌گذارد، تجربه است بنابراین می‌تواند با تغییر شرایط، نتایج به دست آمده، متغیر باشد (ر.ک؛ سعیدی‌روشن، ۱۳۹۸ش: ۹۰؛ محمدی‌فرد، ۱۴۰۰ش: ۹۶ و ۹۹ و ۱۰۰).

این اشکال دارای دو جنبه است، نخست اثرگذاری خود پژوهش‌گر بر نتایجی که به دست می‌آورد. این دعوی است که روش‌شناسان پژوهش از دیرباز داشته‌اند و همیشه می‌پرسند که چگونه می‌توان اطمینان داشت یافته‌های پژوهشی تحت تأثیر ذهنیت‌ها و باورهای پژوهش‌گر نیستند؟ اگر پژوهش‌گر دیگری با باورها و ذهنیت‌های متفاوت همین پژوهش را اجرا می‌کرد، به همین نظریه می‌رسید؟ این دغدغه قابل توجهی است و برای رفع آن، شواهد و ملاک‌های مختلفی باید ارائه داد که پژوهش تا حد ممکن تحت تأثیر پژوهش‌گر نیست. در نظریه داده‌بنیاد، وابستگی نظریه به متن (داده‌ها) بزرگترین مزیت برای حفظ پژوهش‌گر از نگاه فردی است. او باید برای مفهوم‌پردازی شواهدی از آیات ارائه دهد که نشان دهند چنین مفهومی دارای پشتوانه‌ای از آیات است، همان‌طور که برای ارائه گزاره‌ها درباره این مفاهیم و ارتباط آنها نیز باید شواهدی از آیات به دست دهد. پس

نمی تواند هیچ ادعایی بدون پشتوانه قوی با آیات ارائه دهد.

به علاوه نظریه داده بنیاد کاملاً سازمان یافته و الگوریتمی است، یعنی فرایند اجرای آن با جزئیات قابل بررسی است. هر پژوهش گر دیگری می تواند بررسی کند که این نظریه از کدام کدها، مقوله ها و مفاهیم به دست آمده است. آیا نظریه واقعاً ریشه در آیات قرآن دارد؟ آیا شکل گیری مفاهیم و روابط آنها سازگار با مضمون آیات است؟

به علاوه ، رویه های دیگر تفسیری نیز از تأثیر ویژگی های شخصیتی، علمی یا نبوغ پژوهش گر مصون نیستند (چه تأثیر مثبت و چه منفی). حتی تفسیر ترتیبی نیز از این آسیب در امان نمانده و صاحبان مذاهب اعم از «معتزله، مجبره، مرجئه، مجسمه و ...» برای اثبات عقاید خویش از آیات گوناگون قرآن استدلال می آورند و نتیجه های متفاوت و حتی مغایری می گیرند. به عنوان نمونه؛ «اشاعره» که قائل به جسمانیت خداوند متعال هستند واژه «ید» در آیه ۱۰ سوره فتح (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ...) و آیه ۷۵ سوره صاد (قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبِرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ) و آیه ۶۴ سوره مائده (وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ...) را به معنای ظاهری دست البته بلاکیف تفسیر کرده اند (اشعری، بی تا: ۸). در نمونه دیگر؛ «خزائلی» در کتاب «احکام القرآن» مراد از «نفس واحده» در آیه ۱۸۹ سوره اعراف (هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...) را سلول در نطفه دانسته که پس از رشد و نمو به دو سلول تقسیم می شود (ر.ک؛ سراقی، ۱۳۸۵ش: ۱۰۵). ذیل همین آیه «عبدالرزاق نوفل» مراد از «نفس واحده» را الکترون می داند که تعادل و آرامش آن با زوجش پروتون حاصل می شود (ر.ک؛ نوفل، ۱۳۹۳ق: ۱۵۵). بنابراین، اثر دیدگاه خود پژوهش گر در سایر رویه های تفسیر موضوعی به خصوص رویه استنتاجی که محقق در آن نقش فعال و کنشگر دارد (ر.ک؛ صدر، ۱۴۲۱ق: ۳۳) به چشم می خورد و پژوهش گر در نظریه داده بنیاد مانند سایر رویه ها باید تلاش کند از تحمیل نظر شخصی بپرهیزد.

اشکال دوم به کاربست نظریه داده بنیاد در علوم انسانی باز می گردد. در آنجا،

می‌توان پرسید که اگر به جای افرادی که با آنان مصاحبه شده است، با افراد دیگری مصاحبه می‌شد، نظریه متفاوتی از پیاده سازی نظریه داده بنیاد به دست می‌آمد؟ احتمالاً آری زیرا نظریه داده بنیاد کاملاً به داده‌ها وابسته است، پس اگر داده‌ها تغییر محتوایی داشته باشند، نظریه هم دچار تغییر می‌شود. با وجود این به تفاوت کاربرد نظریه داده بنیاد در مطالعات قرآنی و مطالعات علوم انسانی اشاره شد. در مطالعات قرآنی با تغییر داده‌ها رو به رو نیستیم زیرا قرآن کریم، منبع داده‌ای برای نظریه داده بنیاد است. پس اگر دو پژوهشگر قرآنی، موضوع واحدی را با نظریه داده بنیاد تنها بر اساس آیات بررسی کنند، انتظار نمی‌رود به دو نظریه مغایر هم برسند هر چند این دو نظریه می‌توانند در وسعت و برخی جزئیات دارای اختلاف باشند زیرا هرگز نمی‌توان تأثیر دانش، مهارت و نبوغ و خلاقیت پژوهشگران را در یافته‌های پژوهشی نادیده گرفت.

### بحث و نتیجه‌گیری

نظریه داده بنیاد یک روش در پژوهش کیفی است که ابتدا در علوم انسانی به کار گرفته شده است. این روش به پژوهش‌های قرآنی نیز وارد شده است، ولی کاربرد آن در مطالعات قرآنی دارای تفاوت‌هایی با مطالعات علوم انسانی است به نحوی که بر مزیت نظریه داده بنیاد در مطالعات قرآنی می‌افزاید. در حقیقت، خاستگاه و علت اصلی روی آوردن پژوهشگر قرآنی به نظریه داده بنیاد شناسایی دیدگاه قرآن با تکیه بر اطلاعاتی است که صرفاً به داده‌ها (آیات) وابسته‌اند، آن هم بدون تحمیل دیدگاه شخصی خود. نظریه داده بنیاد ساختاری کاملاً الگوریتمی دارد به نحوی که گام‌ها و فرایندها که باید تا تولید نظریه پیموده شود، آشکار است. این ساختارمندی شرایطی را برای تکرار یک مطالعه از سوی پژوهشگران قرآنی دیگر فراهم می‌آورد به نحوی که اعتبارسنجی نظریه کشف شده از سوی یک پژوهشگر از سوی پژوهشگران دیگر به آسانی امکان پذیر می‌شود.

اشکالاتی که به نظریه داده بنیاد وارد شده است یا ناشی از برداشت نادرست از نظریه داده بنیاد است یا بی‌توجهی به تفاوت کاربرد آن در مطالعات قرآنی نسبت به مطالعات

ارزیابی روش‌شناختی سبک تفسیر موضوعی داده‌بنیاد؛ قمرزاده و تیموری | ۱۹۳

علوم انسانی یا دست کم، آن اشکالات به همان اندازه که به نظریه داده‌بنیاد وارد است به رویه‌های دیگر تفسیر موضوعی نیز وارد است.

در هر حال، به نظر می‌رسد نظریه داده‌بنیاد ظرفیت‌های قابل توجهی برای کشف دیدگاه قرآن نسبت به موضوعی مشخص داشته باشد و به دلیل ساختار نظام‌مندی که دارد، فرآیند پیاده‌سازی آن در مطالعات قرآنی روان‌تر ولی نه لزوماً ساده‌تر باشد.

### ORCID

Mohsen Qamarzadeh



<http://orcid.org/>

Nasim Timuri



<http://orcid.org/0000-0002-5019-7206>



## منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- اشتراوس، انسلم؛ کرین، جولیت. (۱۳۹۰ش). *مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه داده‌بنیاد*. ترجمه: ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
- اشعری، ابوالحسن. (بی تا). *الابانه عن اصول الدیانة*. پژوهش محمود حسین. مصر: دارالانصار.
- ایازی، سیدمحمدعلی. (۱۳۸۲ش). «تفسیر موضوعی چیست؟» پیام جاویدان. شماره ۱. صص ۶۶-۷۳.
- ایازی، علی نقی؛ ربانی خوراسگانی، علی. (۱۳۹۳ش). «موانع اجتماعی تفکر در الگوی اسلامی پیشرفت بر اساس نظریه پردازی داده‌محور از قرآن». *نشریه جامعه‌شناسی کاربردی*. سال ۲۵. شماره ۲. پیاپی ۵۴، صص: ۸۱-۹۶.
- ایزتسو، توشی‌هیکو. (۱۳۶۱ش). *خدا و انسان در قرآن*. ترجمه: احمد آرام. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۶۵ش). *سیر تحول قرآن*. تهران: انتشارات کلمه.
- بیابانگرد (سعدی‌پور)، اسماعیل. (۱۳۸۶ش). *روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*. تهران: دوران.
- بیکر، ترزال. (۱۳۷۷ش). *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*. ترجمه: هوشنگ نایی. تهران: سروش.
- بهجت‌پور، عبدالکریم. (۱۳۹۲ش). *تفسیر تنزیلی؛ مبانی، اصول، قواعد و فوائد*. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- رابینز، استیفن. (۱۳۸۴ش). *تئوری سازمان*. مترجم: سیدمهدی الوانی؛ حسن دانایی‌فرد. چاپ دهم. تهران: صفار.
- زرکشی، بدرالدین. (۱۴۱۰ق). *البرهان فی علوم القرآن*. بیروت: دار العرفه.
- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۸۳ش). *منشور جاوید قرآن*. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۲ش). «روش صحیح تفسیر قرآن». *قبسات*. شماره ۲. صص ۹-۳۰.
- سراقی، علی. (۱۳۸۵ش). «آسیب‌شناسی تفسیر موضوعی». *معرفت*. شماره ۱۰۷. صص ۱۰۵-۱۱۰.
- سعیدی‌روشن، محمدباقر. موسوی، هادی. رجیبی، محمود و محمدی‌فرد، علیرضا. (۱۳۹۸ش).



ارزیابی روش شناختی سبک تفسیر موضوعی داده بنیاد؛ قمرزاده و تیموری | ۱۹۵

«تحلیلی بر کاربرست نظریه‌ها و مفاهیم علوم اجتماعی در فرایند نظریه پردازی قرآنی / دینی». روش‌شناسی علوم انسانی. سال ۲۵. شماره ۱۰۰. صص ۸۱-۹۸.

شنبندی، بهادر و فدوی، محبوبه سادات. (۱۳۹۵ش). «شناسایی مؤلفه‌های مدیریت تربیت بر مبنای آموزه‌های قرآن کریم به منظور ارائه مدل مفهومی (نظریه داده بنیاد). مجله مدیریت فرهنگی. سال دهم. شماره ۳۳ و ۳۴. صص ۱۵-۳۰.

صدر، سیدمحمدباقر. (۱۳۷۹ش). «تفسیر تجزیه‌ای و تفسیر موضوعی». مترجم: سعید عباسی‌نیا. گلستان قرآن. شماره ۲۷. صص ۳۶-۳۹.

صدر، سیدمحمدباقر. (۱۴۲۱ق). *المدرسه القرآنیه*. قم: مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طوسی، محمدبن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عباسی، ذکیا؛ ملکی، حسن؛ بهشتی، سعید. (۱۳۹۸ش). «طراحی الگوی تربیت اخلاقی در آموزش عالی بر مبنای آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم از دیدگاه تفسیر المیزان بر اساس روش داده بنیاد». *اندیشه‌های نوین تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء* (س). دوره ۱۵. شماره ۲.

کونتز، هارولد. اوردانل، سیریل و ویریچ، هینز. (۱۳۷۹ش). *اصول مدیریت*. مترجم: محمدهادی چمران. تهران: انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار الجامعه الدرر الاخبار الائمة الاطهار* (ع). بیروت: مؤسسه الوفاء.

محمدی فرد، علیرضا. حسنی، سیدحمیدرضا. (۱۴۰۰ق). «اعتبارسنجی کاربرست روش نظریه داده بنیاد به مثابه تفسیر موضوعی قرآن با تأکید بر آرای شهید صدر». *مطالعات قرآن و حدیث*. سال ۵. شماره ۱. پیاپی ۹. صص ۷۲-۱۰۶.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۳ش). *معارف قرآن*. قم: در راه حق.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). *پیام قرآن، روش تازه‌ای در تفسیر موضوعی قرآن*. قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع).

مونیکه، هنینک. اینگه، هاتر و اجی، بیلی. (۱۳۹۴ش). روش‌های تحقیق کیفی. مترجمان: علیرضا صادقی و مهدی ابراهیمی. تهران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش و سنجش افکار.

مهرابی، امیرحمزه. خنیفر، حسین. امیری، علی‌نقی. زارعی‌متین، حسن و جندقی، غلامرضا. (۱۳۹۰ش). «معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی (ارائه یک نمونه)».

مجله مدیریت فرهنگ سازمانی. سال. شماره ۲۳. صص ۵-۳۰.

نیومن، ویلیام لارنس. (۱۳۹۵ش). روش‌های پژوهش اجتماعی. ترجمه: ابوالحسن فقیهی و عسل آغاز. تهران: ترمه.

نوربخش ولاشدی، اسماعیل. ماشینچی، علی‌اصغر و رنجبر، مختار. (۱۳۹۹ش). «طراحی الگوی تربیت اجتماعی از منظر قرآن و سنت بر اساس نظریه داده‌بنیاد». مجله مطالعات اسلامی در حوزه سلامت. دوره چهارم. شماره چهارم. صص ۷۵-۸۸.

نوفل، عبدالرزاق. (۱۳۹۳ق). القرآن الکریم و العلم الحدیث. بیروت: دارالکتب العربی.

واعظی، احمد. (۱۳۹۰ش). نظریه تفسیر متن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

هولستی، ال\_آر. (۱۳۷۳ش). تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی. ترجمه نادر سالارزاده امیری. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

Strauss, A. and Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research; Grounded Theory Procedures and Techniques*. 2<sup>nd</sup> edition. Thousand Oaks. CA; Sage.

#### References [in persian]

Holy Qur'an, translated by Nasser Makarem Shirazi

Abbasi, Zakia; Maleki, Hassan; Beheshti, Sa'eed. (2018). *Designing a model of moral training in higher education based on the moral teachings of the Holy Qur'an from the point of view of Tafsir al-Mizan based on the data-based method*. New educational ideas of the Faculty of Educational Sciences and Psychology of Al-Zahra University (AS). Period 15. Number 2. [in Persian]

Ash'ari, Abul Hassan. (nd). *Al-Ibānah an Uṣūl al-Dayānah*. Researcher: Mahmoud Hossein. Egypt: Dar al-Ansar. [in Persian]

Ayazi, Ali Naghi; Rabbani Khorasgani, Ali. (2013). Social obstacles to thinking in the Islamic model of progress based on data-oriented theorizing from the Qur'an. *Journal of Applied Sociology*. Year 25.

- Number 2. Series 54, pp. 81-96. [in Persian]
- Ayazi, Seyyed Mohammad Ali. (2012). "What is thematic interpretation?" Eternal message. Number 1. pp. 66-73. [in Persian]
- Bahjatpour, Abdul Karim. (2012). *Tafsīr Tanzīlī; basics, principles, rules and benefits*. Tehran, Research Institute of Islamic Culture and Thought. [in Persian]
- Baker, Therese L. (1998). *How to conduct social research*. Translation: Houshang Naibi. Tehran: Soroush. [in Persian]
- Bazargan, Mehdi. (1986). *The evolution of the Qur'an*. Tehran: Kalamah Publications. [in Persian]
- Biyabangard (Sa'dipur), Isma'il. (2016). *Research Methods in Psychology and Educational Sciences*. Tehran: Duran. [in Persian]
- Holsti, L\_R. (1994). *Content analysis in social sciences and humanities*. Translated by Nader Salarzadeh Amiri. Tehran: Allameh Tabataba'i University. [in Persian]
- Ibn Kathīr, Isma'il ibn 'Umar. (1998). *Tafsir al-Qur'an al-Azim*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
- Izutsu, Toshihiko. (1982). *God and man in the Qur'an*. Translation: Ahmad Aram. Tehran: Publishing Company. [in Persian]
- Koontz, Harold. O'Donnell, Cyril and Virich, Heinz. (2000). *Principles of management*. Translator: Mohammad Hadi Chamran. Tehran: Scientific Publications of Sharif University of Technology. [in Persian]
- Majlisī, Muḥammad Bāqir. (1983). *Bihār al-Anwār al-Jami' al-Durar al-Akhar al-A'imma al-Athar (AS)*. Beirut: Al-Wafa Institute. [in Persian]
- Makarem Shirazi, Naser. (1995). *The message of the Qur'an, a new method in the thematic interpretation of the Qur'an*. Qom: School of Imam Ali ibn Abi Talib (AS). [in Persian]
- Mehrabi, Amir Hamzah. Khanifar, Hossein. Amiri, Alinaghi. Zarei Matin, Hassan and Jandaghi, Gholamreza. (2018). Introduction of database theory methodology for Islamic research (providing an example). *Journal of Organizational Culture Management*. Year, No. 23, pp. 30-35. [in Persian]
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi. (1994). *The Teachings of the Qur'an*. Qom: On the right path. [in Persian]
- Mohammadifard, Alireza. Hasani, Seyyed Hamidreza. (1979). *Validating the application of the data-based theory method as a thematic interpretation of the Qur'an with an emphasis on the opinions of Martyr Sadr*. Studies of Qur'an and Hadith. Year 5. Number 1. Series 9. pp. 72-106. [in Persian]
- Monique, Hennick. Inge, Hatter and Agee, Bailey. (2014). *Qualitative*

- research methods*. Translators: Alireza Sadeghi and Mehdi Ebrahimi. Tehran: Radio and Television of the Islamic Republic of Iran. Center for Research and Evaluation of Thoughts. [in Persian]
- Nawfal, Abdul Razzaq. (2014). *Al-Qur'an al-Karim wa al-Ilm al-Hadith*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [in Persian]
- Newman, William Lawrence. (2016). *Social research methods. Translation: Abolhassan Faqih and Asal Azam*. Tehran: Termeh. [in Persian]
- Nurbaksh Valashdi, Ismail. Mashinchi, Ali Asghar and Ranjbar, Mukhtar. (2019). Designing a model of social education from the perspective of Qur'an and Sunnah based on data base theory. *Journal of Islamic studies in the field of health. Fourth period*. Number four. pp. 75-88. [in Persian]
- Robins, Stephen. (2014). *Organization Theory*. Translator: Seyyed Mahdi Alwani; Hasan Danaeifard, tenth edition, Tehran: Safar. [in Persian]
- Sadr, Seyyed Mohammad Bagher. (2000). *Analytic Interpretation and Thematic Interpretation*. Translator: Saeed Abbasinia. Golestan Qur'an. No. 27. pp. 36-39. [in Persian]
- Sadr, Seyyed Mohammad Bagher. (2000). *Qur'anic School*. Qom: Martyr Sadr Research and Specialized Studies Center. [in Persian]
- Sa'idi Roshan, Mohammad Bagher. Mousavi, Hadi. Rajabi, Mahmoud and Mohammadifard, Alireza. (2018). An Analysis on the Application of Theories and Concepts of Social Sciences in the Process of Qur'anic/religious theorizing. *Methodology of humanities*. Year 25. No. 100. pp. 81-98. [in Persian]
- Saraghi, Ali. (2016). *Pathology of Thematic Interpretation*. Ma'refat. Number 107. pp. 105-110. [in Persian]
- Shenbadi, Bahadur and Fadavi, Mahbubeh Sadat. (2016). Identifying the Components of Education Management based on the Teachings of the Holy Qur'an in order to provide a Conceptual Model (database theory). *Journal of cultural management*. 10th year No. 33 and 34. pp. 15-30. [in Persian]
- Sobhani Tabrizi, Ja'far. (2013). *The Charter of the Holy Qur'an*. Qom: Imam Sādiq Institute (AS). [in Persian]
- Strauss, Anselm; Corbin, Juliet. (2018). *Basics of Qualitative Research, techniques and stages of database theory generation*. Translation: Ebrahim Afshar. Tehran: Ney Publishing. [in Persian]
- Tabataba'i, Seyyed Mohammad Hossein. (1996). *Al-Mizan fi Tafsi al-Qur'an*. Fifth Edition. Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Community of Teachers. [in Persian]
- Tusi, Mohammad Ibn Hasan. (nd). *Al-Tibyān fi Tafsi al-Qur'an*. Beirut: The Revival of Arab Heritage. [in Persian]
- Wa'ez, Ahmad. (2018). *Text Interpretation Theory*. Qom: University and

ارزیابی روش شناختی سبک تفسیر موضوعی داده بنیاد؛ قمرزاده و تیموری | ۱۹۹

- District Research Institute. [in Persian]  
Zarkashī, Badr al-Din. (1989). *Al-Burhān fī Ulūm al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Arafa. [in Persian]  
\_\_\_\_\_. (2012). "The Correct Method of Interpretation of the Qur'an". *Qabasat*. Number 2. pp. 30-39. [in Persian]



**استناد به این مقاله:** قمرزاده، محسن، تیموری، نسیم. (۱۴۰۱). ارزیابی روش شناختی سبک تفسیر موضوعی داده بنیاد، فصلنامه علمی پژوهش نامه معارف قرآنی، ۱۳(۵۰)، ۱۷۱-۱۹۹.

DOI: 10.22054/rjqk.2022.68165.2624



Quranic Knowledge Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی